

برآورد آثار تورمی اصلاح قیمت حامل‌های انرژی در دو حالت فشار هزینه و فشار تقاضا با دو گزینه‌ی یک‌باره و پلکانی در ایران

علی امامی میبیدی

دانشیار دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی emami@atu.ac.ir

افشین حیدرپور*

پژوهش‌گر ارشد مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی heidarpour@research.majlis.ir

موسی خوشکلام خسروشاهی

دانشجوی دکتری اقتصاد نفت و گاز دانشگاه علامه طباطبایی mosa_khosrowshahy@yahoo.com

تاریخ دریافت: 88/9/1 تاریخ پذیرش: 89/7/24

چکیده

سهم یارانه‌ی انرژی از تولید ناخالص داخلی در ایران برابر 25/9 درصد (سال 1385) می‌باشد، که حذف آن و بررسی آثار تورمی اش بر اقتصاد می‌تواند راهنمایی برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان، در اتخاذ تصمیم‌های صحیح در این زمینه باشد. بر این اساس در این مقاله با به‌کارگیری مدل داده - ستانده، آثار تورمی اصلاح قیمت حامل‌های انرژی در دو حالت فشار هزینه و فشار تقاضا و در دو گزینه یک‌باره و پلکانی بررسی شده است. نتیجه‌ی بررسی نشان می‌دهد که اگر افزایش قیمت همه‌ی حامل‌های انرژی به‌صورت هم‌زمان و دفعی باشد، تورم ناشی از فشار هزینه، بیانگر افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده به میزان 48/6 درصد و درصد افزایش در شاخص قیمت تولیدکننده برابر با 63/6 درصد خواهد بود. چنان‌چه افزایش قیمت حامل‌های انرژی به‌صورت پلکانی در طی 4 سال باشد، رشد متوسط سالیانه‌ی تورم 10/5 درصد برآورد می‌شود. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد که تورم ناشی از فشار تقاضا احتمالاً 2/7 درصد خواهد بود که با تأثیر ضریب فزاینده‌ی پولی (1/5) به 4 درصد می‌رسد.

طبقه‌بندی JEL: C67, Q43, H23

کلیدواژه: حامل‌های انرژی، تورم، مدل داده - ستانده، فشار هزینه، فشار تقاضا

1- مقدمه

اقتصاد ایران در حال گذار از یک برنامه‌ریزی متمرکز به سوی یک برنامه‌ریزی غیرمتمرکز بوده و یارانه‌ی انرژی یکی از مباحث اصلی در این انتقال است. زمانی به اهمیت این موضوع نمایان می‌شود که درمی‌یابیم درآمد حاصل از فروش نفت و انواع فرآورده‌های نفتی (به‌عنوان بخشی از حامل‌های انرژی) بیش از 90 درصد از درآمد ارزی کشور را تشکیل می‌دهد و از سوی دیگر سالیانه مبالغ هنگفتی از درآمد ملی، به یارانه‌ی انواع حامل‌های انرژی اختصاص می‌یابد، بنابراین حذف یارانه‌ی حامل‌های انرژی از حساسیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و به‌وضوح روشن است که بحث پیامد افزایش هزینه‌ی تمام شده‌ی کالاها و خدمات در بخش‌های مختلف اقتصادی و آثار توزیع درآمدهای حاصل از حذف یارانه‌های انرژی، از مهم‌ترین بحث‌های قابل طرح می‌باشد. مطرح شدن بحث افزایش هزینه‌ی تمام شده کالاها و خدمات به دنبال حذف یارانه‌ی انرژی، به این دلیل است که در ایران انرژی به‌عنوان یک نهاده‌ی حیاتی (به‌دلیل ارزان بودن) در تابع تولید اقتصاد حضور دارد که هر تغییری در قیمت این نهاده، در کوتاه مدت از طریق سهم هزینه‌ای آن و در بلندمدت از طریق تأثیر بر بازار سایر نهاده‌ها، بر شاخص قیمت تولید کالاها و خدمات تأثیر می‌گذارد.

با توجه به این، بررسی پیامدهای اقتصادی و اجتماعی هرگونه سیاستی در کاهش یا حذف یارانه‌ی انرژی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. از این‌رو در این مقاله به بررسی آثار اقتصادی حذف یارانه‌های انرژی پرداخته شده است. برای این منظور، این مقاله به بررسی اثر حذف یارانه‌ی حامل‌های انرژی بر سطح عمومی قیمت‌ها با استفاده از مدل داده - ستانده (IO)¹، در دو حالت تورم ناشی از فشار هزینه و تورم ناشی از فشار تقاضا در دو گزینه‌ی افزایش یک‌باره‌ی قیمت حامل‌های انرژی و افزایش پلکانی قیمت حامل‌های انرژی، پراخته است. همان‌طور که می‌دانیم در قانون هدفمندکردن یارانه‌ها (تصویبی مجلس شورای اسلامی) 2 حالت برای قیمت حامل‌های انرژی مطرح شده، که عبارت است از، حالت (سناریوی) اول: در این سناریو حداقل درآمد خالص مورد نظر در اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها 100000 میلیارد ریال است. حالت (سناریوی) دوم:

1- Input-Output.

در این سناریو حداکثر درآمد خالص مورد نظر در اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها 200000 میلیارد ریال است. در مقاله‌ی حاضر، نویسندگان، دو سناریوی دیگر را نیز برای تحلیل اثر هدفمند کردن یارانه‌ها بر سطح عمومی قیمت‌ها در نظر گرفته‌اند که عبارتند از: سناریوی سوم: در این سناریو، میانگین حداقل و حداکثر درآمد خالص مورد نظر در اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها 150000 میلیارد ریال است. سناریوی چهارم: در این سناریو درآمد مورد نظر دولت در بودجه‌ی سال 1389، 400000 میلیارد ریال است. در مقاله‌ی حاضر، از میان چهار سناریوی مطرح شده، آثار تورمی سناریوهای 2 و 3 مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در ادامه در بخش 2، یارانه انرژی در ایران، بخش 3، پیشینه پژوهش، بخش 4، روش شناسی تحقیق، بخش 5، محدودیت‌های ناشی از تحقیق، بخش 6، ساختار جدول داده-ستاده به هنگام شده‌ی سال 1383 ایران، بخش 7، یافته‌های تحقیق و بخش 8، نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه می‌گردد.

2- یارانه‌ی انرژی در ایران

بر اساس آمار ترازنامه‌ی انرژی سال 1386 کشور، ترکیب استفاده از کل یارانه‌های انرژی در بخش‌های مختلف کشور به شرح زیر است:

جدول 1- یارانه‌ی حامل‌های انرژی در سال 1386 به تفکیک حامل‌ها و بخش‌های مصرف‌کننده (میلیارد ریال)

بخش‌ها / حامل‌ها	خانگی	صنعت	کشاورزی	حمل و نقل	تجاری	عمومی	جمع	درصد
بنزین	-	209/9	87/4	91813/7	2/0	530/1	92643/1	19/7
نفت سفید	36844/4	504/6	207/4	-	829/9	873/3	39259/6	8/4
نفت گاز	4301/1	17356/3	23171/6	101076/3	4024/6	7429/9	157359/8	33/5
نفت کوره	-	20645/6	-	2964/1	4135/0	1639/6	29384/3	6/3
گاز مایع	11662/3	1647/1	-	1258/0	-	-	14576/4	3/1
برق	33121/1	24754/7	12048/5	81/9	3218/1	13514/2	86738/5	18/5
گاز طبیعی	29850/9	15420/8	122/1	800/0	1800/3	1758/5	49752/6	10/6
جمع	115779/9	80539/0	35636/9	197993/9	14010/0	25745/5	469705/3	100/0
درصد	24/6	17/1	7/6	42/2	3/0	5/5	100/0	-

ماخذ: ترازنامه‌ی انرژی 1386

با توجه به جدول (1)، کل یارانه‌ی بخش انرژی کشور در سال 1386 معادل 469705 میلیارد ریال بوده است. بدین ترتیب، سرانه‌ی یارانه‌ی انرژی هر فرد ایرانی در این سال حدود 6566 هزار ریال می‌باشد.

در میان بخش‌های مصرف‌کننده‌ی انرژی، بخش حمل و نقل با 42/2 درصد از کل یارانه‌ی انرژی (معادل 197994 میلیارد ریال)، بیش‌ترین سهم را در برخورداری از این منابع داشته است. پس از بخش حمل و نقل، بخش‌های خانگی و صنعت به ترتیب با 24/6 و 17/1 درصد، بالاترین سهم از کل یارانه‌ی انرژی را به خود اختصاص داده‌اند. بخش تجاری با سهمی معادل 3/0 درصد از کل یارانه‌ها، کم‌ترین مقدار یارانه را داشته است.

از دیدگاه حامل‌های انرژی، نفت گاز بیش‌ترین مقدار یارانه به میزان 157360 میلیارد ریال، معادل 33/5 درصد از کل یارانه‌ی حامل‌های انرژی را به خود اختصاص داده است. بنزین و برق به ترتیب با 19/7 و 18/5 درصد از کل یارانه، در مقام‌های بعدی قرار دارند. کم‌ترین مقدار یارانه به گاز مایع (3/1 درصد) تعلق گرفته است. جدول (2)، نشان‌دهنده‌ی سهم یارانه از تولید ناخالص داخلی برای دوره‌ی زمانی 1381-1385 می‌باشد.

جدول 2- سهم یارانه‌ها از تولید ناخالص داخلی (GDP)¹ (درصد)

عنوان سال	سهم یارانه‌ی کالا و خدمات از GDP	سهم یارانه‌ی انرژی از GDP	سهم کل یارانه‌ها از GDP
1380	1/58	7/6	9/2
1381	1/43	13/2	14/7
1382	1/76	12/3	14
1383	2/87	15/8	18/7
1384	2/62	23/5	26/1
1385	2/97	25/9	28/9
1380-1385	2/2	16/4	18/6

ماخذ: 1- ریاست جمهوری، گزارش پشتیبان، مقدمه‌ای بر طرح تحول، 1387

2- نماگر اقتصادی بانک مرکزی، سال‌های مختلف

3- گزارش مالی دولت، سال‌های مختلف

با نگاه به جدول (2) مشاهده می‌شود که، از کل تولید ناخالص داخلی در سال 1380، یارانه 7/6 درصدی، بخش انرژی تخصیص یافته، که این رقم در سال 1385 به 25/9 درصد رسیده است. این امر نشان می‌دهد که از سال 1380 تا 1385، نه تنها از بار یارانه کاسته نشده، بلکه به آن افزوده شده است. به‌طور متوسط در طول این 6 سال 16/4 درصد از تولید ناخالص داخلی به یارانه‌ی انرژی اختصاص یافته است. با توجه به این که در سال 1385 سهم کل یارانه‌ها از تولید ناخالص داخلی برابر 28/9 درصد و سهم یارانه‌ی انرژی از تولید ناخالص داخلی برابر 25/9 درصد بوده است، لذا نتیجه گرفته می‌شود که تنها درصد کمی از کل یارانه‌های توزیع شده در کشور به بخش‌های غیر انرژی مثل نان و غیره تخصیص می‌یابد. با توجه به بحث‌های مطرح شده، ملاحظه می‌شود که 25/9 درصد از GDP کشور برای یارانه‌ی انرژی مصرف می‌شود، حال اگر قرار باشد این مبلغ هنگامت یارانه حذف شود، بررسی آثار آن از جمله اثرش بر تورم امری ضروری است.

3- پیشینه‌ی پژوهش

تأثیر نوسانات قیمت حامل‌های انرژی بر سطح عمومی قیمت‌ها موضوع مطالعات بسیاری در دهه‌های اخیر بوده است، در این قسمت به چند مورد از مطالعات انجام گرفته در این زمینه در داخل و خارج می‌پردازیم.

3-1- مطالعات خارجی

اوری و بویدد¹ (1997)، در مطالعه‌ای که به‌منظور ارزیابی اثرات اقتصادی افزایش قیمت حامل‌های انرژی در مکزیک انجام داده‌اند، تأثیر افزایش قیمت بنزین و برق در اقتصاد مکزیک را با استفاده از یک مدل تعادل عمومی قابل محاسبه (CGE)²، مورد بررسی قرار داده‌اند. نتیجه نشان می‌دهد که افزایش قیمت، سبب کاهش مصرف انرژی توسط خانوارها و تولید کنندگان، کاهش تولید در بخش‌های تولیدی مصرف کننده‌ی این حامل‌های انرژی، کاهش اثرات مخرب زیست محیطی و هم‌چنین افزایش

1 - Uri and Boyd.

2 - Computable General Equilibrium.

دریافت‌های دولت شده است، که می‌توان بخشی از آن را برای بازپرداخت بدهی‌های خارجی به کار گرفت.

برومننت و تالپسی^۱ (2000)، در مطالعه‌ای که به منظور بررسی اثر تورمی تغییر قیمت‌های نفت خام در ترکیه و با استفاده از جدول داده - ستانده انجام دادند، اثر شوک‌های قیمت نفت بر سطح عمومی قیمت‌ها را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که 20% افزایش قیمت نفت خام، اثری بر سطح عمومی قیمت‌ها ندارد، بلکه فقط سبب افزایش 1/08 درصد در سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود، علت این امر ناشی از کم بودن سهم نفت (به‌عنوان یک نهاده‌ی تولیدی) در تولیدات صنعتی ترکیه بیان شده است.

ولدخانی و مایکل^۲ (2002)، در مطالعه‌ی خود به بررسی آثار افزایش قیمت حامل‌های انرژی در اقتصاد استرالیا پرداخته و برای این منظور در سه زمینه بحث انجام داده‌اند که عبارتند از:

الف) پیش‌بینی تأثیر افزایش قیمت‌ها با قیمت‌های جهانی.
ب) در حال حاضر اقتصاد نسبت به افزایش قیمت در دهه‌ی 1970 آسیب پذیرتر است.

ج) تأثیر توزیعی افزایش قیمت نفت بر گروه‌های مختلف درآمدی
در این مطالعه از جداول داده - ستانده‌ی 97-1996 و 78-1977 استرالیا استفاده و تأثیر میزان افزایش قیمت حامل‌های انرژی بر تورم، حدود 1.8 درصد تشخیص داده شده است. هم‌چنین نتیجه گرفته شده که شوک قیمتی نفت در اواخر دهه‌ی 1970 بزرگ‌تر از اواخر دهه‌ی 1990 بوده است.

دابو^۳ (2003)، در پژوهش خود که با هدف ارزیابی اثرات یارانه‌های انرژی بر روی مصرف و عرضه‌ی انرژی در کشور زیمبابوه انجام داده، اثرات پرداخت یارانه‌ی حامل‌های انرژی مانند نفت سفید، برق و سوخت چوب (زغال) را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که هزینه‌های انرژی مصرفی خانوارهایی که از سوخت چوب، همراه با نفت سفید استفاده می‌کنند، به مقدار 20/8% بیش‌تر از خانوارهایی است که از برق (با قیمت

1- Berumnet and Talpcy.

2 - Michel.

3 - Dubo.

یارانه‌ای) استفاده می‌کنند. همچنین یارانه‌های پرداختی برای طبقات مختلف خانوارهای زیمباوه برابر 1816/8 میلیون دلار در سال است، که از این مبلغ فقط 7/3% به خانوارهای نیازمند و بقیه، به افراد غیر نیازمند اختصاص می‌یابد. در کل این‌طور نتیجه‌گیری شده است که چون یارانه‌ها به صورت عمومی و یکسان (نه به صورت هدفمند) پرداخت می‌شود و به حامل‌های انرژی ای تعلق می‌گیرد که کم‌تر در دسترس خانوارهای فقیر است، عملاً کارایی خود را از دست می‌دهد و فقط بار مالی سنگینی برای بودجه‌ی دولت محسوب می‌شود.

2-3- مطالعات داخلی

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (1387)، گزارشی را با عنوان "آثار افزایش قیمت بنزین و گازوییل بر سطح عمومی تورم پایه" تهیه کرده است، که در آن برای محاسبه‌ی بار تورم زایی تغییر قیمت بنزین و گازوییل، از جدول داده - ستانده‌ی به هنگام شده‌ی سال 1383 و تحت 6 سناریوی مختلف قیمتی برای بنزین و گازوییل، به تفکیک و به صورت هم‌زمان استفاده شده است.

نتایج این مطالعه حاکی از بار تورمی 5 تا 28/5 درصدی ناشی از افزایش 100 تا 600 درصدی قیمت بنزین از سطح پایه‌ی 1000 ریال در لیتر می‌باشد. همچنین برآوردهای این مطالعه در رابطه با افزایش قیمت گازوییل حاکی از ایجاد بار تورمی 3/8 تا 22/6 درصدی ناشی از افزایش 5 تا 36 برابری قیمت گازوییل از سطح قیمت پایه، 165 ریال در لیتر می‌باشد. بنابراین، یافته‌های پژوهشی و محاسباتی این پژوهش مؤید این حقیقت است که سطح آثار تورمی سالیانه، ناشی از اصلاح قیمت بنزین به سطوح قیمت‌های وارداتی، به صورت تدریجی و تقسیط به حالت شیب دار و زمان‌بندی شده، به مراتب کم‌تر از آثار تورمی افزایش قیمت کالاهای مزبور به صورت دفعی و یک‌باره خواهد بود.

خیابانی (1387)، به کمک یک الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه‌ی استاندارد (SCGE)¹، بر پایه‌ی اطلاعاتی ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM)² سال 1380، کالیبراسیون ضرائب الگو و بر اساس سه سناریوی 1- افزایش قیمت بنزین 2- افزایش

1- Standard Computable General Equilibrium.

2- Social Accounting Matrix.

قیمت تمامی حامل‌های انرژی 3- افزایش قیمت تمامی حامل‌های انرژی، براساس قیمت‌های جهانی، آثار افزایش قیمت حامل‌های انرژی روی اقتصاد ایران را تحلیل کرده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که افزایش قیمت حامل‌های انرژی با ایجاد کاهش در انحراف قیمت‌های نسبی، مصرف بی‌رویه‌ی انرژی در بخش‌های تولیدی و خانوارها را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر با افزایش هزینه‌های تولیدی، تورم، افزایش یافته و رفاه اقتصادی افراد کم درآمد کاهش می‌یابد. البته تورم و کاهش رفاه، در سناریوی افزایش قیمت تمامی حامل‌های انرژی بسیار بیش‌تر از سناریوی افزایش قیمت بنزین بوده است. فتینی و بکون¹ (1999)، با استفاده از جدول داده - ستانده، اثر تعدیل قیمت انرژی تا سطح قیمت‌های جهانی را در ایران بر قیمت سایر کالاها و سطح زندگی با فرض ثبات دستمزد و قیمت سایر عوامل تولید بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهند که به جز بخش‌های انرژی، تنها هشت بخش از 43 بخش دارای افزایش قیمتی بیش از 20 درصد بوده‌اند، که چهار بخش از این مجموعه مواد ساختمانی هستند و به‌طور مستقیم توسط خانوارها مصرف نمی‌شوند، اما جزء بخش‌های مهم تولیدی اند. در مجموع افزایش یک‌باره‌ی قیمت حامل‌های انرژی، حدود 13 درصد قیمت‌های متداول در آغاز سال 2001/2002 را افزایش خواهد داد.

جنسن و تار² (2002)، سیاست‌های تجاری، افزایش نرخ ارز و سیاست‌های انرژی ایران را در یک مدل تعادل عمومی قابل محاسبه، مطالعه کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که اصلاحات ترکیبی در سه مورد اشاره شده، منافع بزرگی به همراه داشته و این منافع، درآمد مصرف‌کنندگان را 50 درصد افزایش داده‌اند. 7 درصد این منافع در اثر اصلاحات تجاری، 7 درصد به دلیل اصلاح نرخ ارز و 36 درصد در اثر اصلاح قیمت حامل‌های انرژی به دست می‌آید. به علاوه، اتخاذ سیاست‌های مناسب هدفمند کردن یارانه‌ها می‌تواند آثار منفی اصلاح قیمت‌ها بر فقرا را کاهش دهد. در صورتی که منافع به دست آمده به‌صورت پرداخت‌های مستقیم درآمدی در اختیار همه‌ی خانوارها (نه تنها خانوارهای فقیر) قرار گیرد، تأثیر بزرگی بر افزایش درآمد خانوارهای فقیر در مقایسه با وضع فعلی دارد و فقیرترین خانوارهای روستایی و شهری به ترتیب 290 و 140 درصد بر درآمدشان افزوده می‌شود.

1- Fetini & Bacon.
2- Jensen & Tarr.

بانک جهانی¹ (2003)، وضعیت حامل‌های انرژی و افزایش قیمت آن را در مدل داده - ستانده بررسی کرده است. بر اساس برآوردهای انجام شده، در صورتی که قیمت حامل‌های انرژی در سال 2003 به سطح قیمت‌های جهانی برسد، 30/5 درصد به تورم موجود اضافه می‌شود. اگر قیمت‌های داخلی در یک دوره‌ی سه ساله (از سال 2004)، به سطح قیمت‌های جهانی تعدیل یابند، در سال 2006/7 به تورم موجود 31/9 درصد افزوده می‌شود. میزان تورم در این سه سال به ترتیب 9/4، 9/0 و 9/8 درصد افزایش خواهد یافت. در صورتی که تعدیل قیمت‌ها در دوره‌ی 5 ساله انجام گیرد و از سال 2003 آغاز شود، مجموع تورم به وجود آمده در پایان سال 2007، 36/9 درصد می‌باشد و در این 5 سال میزان افزایش تورم به ترتیب 5/9، 5/9، 6/3، 7/0 و 7/3 درصد خواهد بود. اگر افزایش قیمت در 5 سال (از سال 2003) به ترتیب به میزان 30 درصد، 25 درصد، 20 درصد، 15 درصد و 15 درصد باشد، تورم در انتهای دوره‌ی 2008، 38/4 درصد خواهد داشت و میزان تورم اضافه شده در این 5 سال به ترتیب 8/9، 7/2، 6/5، 5/9 و 5/1 درصد خواهد بود.

4- روش شناسی تحقیق

در این قسمت روش شناسی مدل داده - ستانده را که در این مقاله برای برآورد اثرات تورمی حذف یارانه‌ی حامل‌های انرژی به کار برده شده است، بیان می‌کنیم.

4-1- الگوی روش شناسی

الف) ساختار روش شناسی مورد استفاده در این مقاله برای محاسبه‌ی بار تورمزایی تغییر قیمت یک یا چند حامل انرژی، جدول داده - ستانده‌ی به هنگام شده‌ی سال 1383، به اضلاع 43*43، شامل 119 قلم کالا (که در سال 1386 ارائه شده است)² است. جدول داده - ستانده (IO)، یک تکنیک آماری تقریباً مؤثر است که مبانی نظری آن بر نظریه عمومی لئون والراس استوار است. در این نظریه اقتصاد به عنوان یک پیکره‌ی واحد و به هم پیوسته تعریف می‌شود که تغییرات در یکی از محورهای آن، موجبات تغییر در سایر اجزای اقتصاد را فراهم می‌کند. جدول IO، تجزیه و تحلیل

1- World Bank.

2- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش شماره‌ی 345، مورخ مهر ماه 1386، اداره‌ی حساب‌های اقتصادی.

تقریباً قابل قبولی از میزان به هم پیوستگی بین فعالیت‌ها و بخش‌های اقتصادی را ارائه می‌کند.

ب) روابط طولی - عرضی افزایش قیمت کالاهای موردنظر (حامل‌های انرژی) از راه حساب‌های داده - ستانده قابل استنباط و استخراج است. در این حساب‌ها:

1) تعداد n بخش در اقتصاد وجود دارد. 2) هر بخش به نهاده‌های اولیه یا واسطه‌ای که از طرف سایر بخش‌ها تولید می‌شود، نیازمند است (کالا یا محصول G). 3) هر بخش، قیمتی به نام p دارد. 4) قیمت p در هر بخش، تابعی از قیمت آن بخش‌هایی است که فراهم‌کننده‌ی نهاده‌های اولیه یا واسطه‌ای برای آن بخش هستند.

به طور طبیعی هر اندازه استفاده و به‌کارگیری از نهاده‌ی یک بخش در مقایسه با سایر بخش‌ها بیش‌تر باشد، افزایش قیمت آن نهاده، آثار فزاینده‌تری بر قیمت بخش مصرف‌کننده خواهد داشت.

2-4- رفع تداخل‌های مورد انتظار حامل‌های انرژی در سبد انرژی

یکی از خطاهای متداول در محاسبه‌ی تورم مورد انتظار، ناشی از افزایش قیمت حامل‌های انرژی به‌طور هم‌زمان و یک‌باره است، که کل کالاها (حامل‌ها) در یک سبد انرژی در یک زمان واحد و یکپارچه محاسبه می‌شوند و حال آن‌که انجام چنین محاسبه‌ای، خطاست. در محاسبه‌ی افزایش قیمت به‌طور هم‌زمان و یک‌باره، باید در هر بار محاسبه، یکی از کالاها (حامل‌ها) از سبد انرژی خارج شوند، زیرا هر حامل در صورت افزایش قیمت، ضمن آن‌که خودش به تنهایی دارای آثار تورمی است، اثر افزایش قیمت سایر حامل‌ها نیز بر روی آن منعکس می‌شود. لذا در محاسبه‌ی سبد انرژی، هر بار باید یکی از حامل‌ها از سبد خارج شوند تا اختلاف تورم «تک تک آن‌ها» با «تورم هم‌زمان آن‌ها» محاسبه شود. پس در هر بار محاسبه، یک قلم از حامل‌ها باید از سبد انرژی خارج و دوباره در سبد انرژی گذارده شود. برای مثال با افزایش قیمت نفت گاز، نفت کوره، یا گاز، بهای برق افزایش می‌یابد، پس در این حالت باید حامل برق (به‌عنوان یک حامل انرژی) از سبد انرژی خارج شود، تا افزایش قیمت برق ناشی از افزایش قیمت نفت گاز یا گاز مورد مصرف نیروگاه‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد و دوباره حامل برق در سبد انرژی وارد شده و اینک افزایش مستقیم خود برق مورد محاسبه قرار گیرد.

همین‌طور در مورد سایر حامل‌ها ...، به همین دلیل است که آثار تورمی مستقیم و غیرمستقیم ایجاد شده به‌مراتب بالاتر از نرخ‌های تورمی تک‌تک آن‌ها خواهد بود.

3-4- کاربردهای جدول داده - ستانده

از نظر کاربردی می‌توان گفت که جدول داده - ستانده ی اقتصادی معمولاً در زمینه ی تحلیل ساختار اقتصادی از یک سو و برنامه‌ریزی از سوی دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد و به‌طور اختصار اهم کاربردهای جدول داده - ستانده را می‌توان در محورهای مشروحه ی زیر برشمرد:

1. پیش‌بینی تقاضا، تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری به تفکیک بخش‌ها برای یک کشور یا یک منطقه،
2. بررسی تغییرات فناوری و اثر آن بر بهره‌وری،
3. بررسی آثار تورمی افزایش قیمت انواع حامل‌های انرژی،
4. بررسی آثار زیست‌محیطی فعالیت‌های اقتصادی،
5. آثار تغییرات دستمزدها، مالیات‌ها یا سود بر قیمت‌ها،
6. بررسی آثار مبادلات بخش خارجی (صادرات و واردات) بر فعالیت‌های اقتصادی،
7. بررسی‌های بخشی مانند بررسی آثار صنعت گردشگری.

4-4- نوع جدول مورد استفاده

جدول داده - ستانده، به‌طور کلی به‌صورت‌های مختلفی تهیه می‌شود که عبارتند از:

1. جدول کالا در کالا
2. جدول کالا در بخش
3. جدول بخش در بخش

و از این جهت ماتریس مورد استفاده باید به‌گونه‌ای باشد که از یک سو بیانگر «عرضه ی کل برای کالا» (حاصل جمع اجزای ستون) و از سوی دیگر نشان دهنده ی «تقاضای کل» برای هر کالا (حاصل جمع اجزای ماتریس به‌صورت سطری) باشد.

5-4- ماتریس سهم هزینه‌ای هر یک از حامل‌های انرژی

ماتریس سهم هزینه‌ای هر یک از حامل‌های انرژی در بسته ی مصرفی انرژی، چهار بخش عمده ی اقتصاد، صنعت، کشاورزی، خدمات و حمل و نقل است. به این ترتیب سطرهای ماتریس، همان بخش‌های اقتصادی و هر یک از حامل‌ها نیز ستون‌های آن در سبد هزینه ی انرژی هستند. حاصل ضرب ماتریس مذکور در بردار شاخص بهای

حامل‌های انرژی (P)، تغییرات شاخص قیمت انرژی در هر بخش نسبت به قیمت‌های پایه را نشان می‌دهد.

6-4- فرآیند محاسبات با استفاده از همبستگی شاخص‌های قیمت

1. همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، ماتریس مورد استفاده باید به‌گونه‌ای باشد که از یک سو بیانگر «عرضه‌ی کل برای هر کالا» (حاصل جمع اجزای ستون) و از سوی دیگر نشان‌گر «تقاضای کل برای هر کالا» (حاصل جمع اجزای ماتریس به‌صورت سطری) باشد. هم‌چنین مطابق رابطه‌ی زیر، ماتریس سهم هزینه‌ای هر یک از حامل‌های انرژی در سبد مصرفی انرژی چهار بخش عمده‌ی اقتصادی (صنعت، کشاورزی، حمل و نقل و خدمات) با نماد S_1^4 و سهم هر حامل در سبد مصرفی انرژی (برق، بنزین، گازوئیل، نفت کوره، نفت سفید، گاز مایع، گاز طبیعی و ...) با نماد C_1^8 که در مجموع با نماد a نشان داده می‌شوند. به‌این ترتیب سطرهای ماتریس، همان بخش‌های اقتصادی و هر یک از حامل‌ها (بنزین، گازوئیل، برق و ...) نیز ستون‌های آن در سبد هزینه‌ی انرژی هستند، حاصل ضرب ماتریس مزبور در بردار شاخص بهای حامل‌های انرژی (P)، تغییرات شاخص قیمت انرژی در هر بخش نسبت به قیمت‌های پایه را نشان می‌دهد.

2. در تمامی محاسبات انجام شده، فرض بر این بوده است که به‌جای قیمت‌های رایج در جدول داده - ستانده، قیمت‌های مورد نظر در سال هدف به‌عنوان برون‌زا (درصد تغییر شاخص بها) محاسبه می‌شوند.

3. جدول 3، تعامل پارامترهای مشروحه‌ی فوق را با یکدیگر نشان می‌دهد.

جدول 3- محاسبه‌ی تحولات شاخص قیمت انرژی در هر بخش به قیمت‌های پایه

تغییر شاخص قیمت انرژی	سایر	برق	گاز طبیعی	گاز مایع	نفت سفید	نفت کوره	گازوئیل	بنزین	سهم هزینه‌ای هر حامل بخش
IP_1	S_1XC_8	S_1XC_7	S_1XC_6	S_1XC_5	S_1XC_4	S_1XC_3	S_1XC_2	S_1XC_1	(S1) صنعت
IP_2	S_2XC_8	S_2XC_7	S_2XC_6	S_2XC_5	S_2XC_4	S_2XC_3	S_2XC_2	S_2XC_1	(S2) کشاورزی
IP_3	S_3XC_8	S_3XC_7	S_3XC_6	S_3XC_5	S_3XC_4	S_3XC_3	S_3XC_2	S_3XC_1	(S3) خدمات
IP_4	S_4XC_8	S_4XC_7	S_4XC_6	S_4XC_5	S_4XC_4	S_4XC_3	S_4XC_2	S_4XC_1	(S4) حمل‌ونقل

ماخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول بالا خواهیم داشت:

$$\begin{bmatrix} a_{11} & a_{12} & \dots & a_{18} \\ a_{21} & a_{22} & \dots & a_{28} \\ a_{31} & a_{32} & \dots & a_{38} \\ a_{41} & a_{42} & \dots & a_{48} \end{bmatrix} \times \begin{bmatrix} P_1 \\ P_2 \\ P_3 \\ P_4 \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} IP_1 \\ IP_2 \\ IP_3 \\ IP_4 \end{bmatrix}$$

$$\left[\sum S_1^4 C_1^8 \right] \times P_1^8 = IP_1^4$$

4. بنابراین یافته‌های جدول 3 را به شکل اختصاری زیر (جدول 4) خواهیم داشت:

جدول 4- درصد تغییرات شاخص قیمت کالاهای مورد هدف به سال پایه (100 = سال پایه)

بخش	درصد تغییر شاخص بهای کالاهای مورد هدف (درصد)
صنعت	IP ₁
کشاورزی	IP ₂
خدمات	IP ₃
حمل و نقل	IP ₄

ماخذ: یافته‌های پژوهش

5. در فاز بعدی، انعکاس متقابل تغییرات شاخص بهای کالاهای مورد هدف (حامل‌ها) در سهم هزینه‌ای نهاده‌های مصرفی برای تولید کالاها و خدمات در هر یک از بخش‌های اقتصادی محاسبه می‌شود. باید توجه داشت که در جدول (4) سهم هر یک از حامل‌های انرژی در کل سبد مصرفی به تفکیک هر بخش، ملاک محاسبات بوده است، اما در جدول (5)، سهم حامل یا حامل‌های انرژی، نه در سبد مصرفی انرژی، بلکه سهم در ساختار کل نهاده‌های مصرفی همان بخش (100 = هر بخش)، ملاک بوده است. با توجه به جدول بالا خواهیم داشت:

$$\sum S_1^4 (E_1^4 \times IP_1^4) = PPS_1^4$$

آنچه مسلم است از نظر ارتباط متقابل و تنگاتنگ قیمت‌ها، قاعدتاً دارندگان نیروی کار و دارندگان سرمایه، متعاقب تغییرات به دست آمده در شاخص بهای کل تولید (ناشی از افزایش قیمت حامل‌های انرژی) قیمت‌های آن‌چه را که صاحب هستند، تغییر

خواهند داد. افزایش بهای حامل‌های انرژی چنان‌چه تا این زمان در جدول داده - ستانده

جدول 5- تغییرات شاخص بهای کالاهای مورد هدف در سهم هزینه‌های نهاده‌های مصرفی برای تولید

بخش‌های اقتصادی نهاده‌های تولید	سهم نهاده‌های تولید	شاخص * سهم		درصد تغییرات شاخص بهای تولیدکننده در هر یک از بخش‌های اقتصادی
		سهم هزینه‌های نهاده‌های مصرفی (درصد)	درصد تغییرات شاخص قیمت کالاهای هدف (درصد)	
بخش صنعت (S ₁)	نهاده‌های مصرفی انرژی	= E ₁	IP ₁	= PPS ₁
	نهاده‌های نیروی کار	= L ₁	فعالاً ثابت فرض می‌شود	= 0
	نهاده‌های سرمایه	= C ₁	فعالاً ثابت فرض می‌شود	= 0
بخش کشاورزی (S ₂)	نهاده‌های مصرفی انرژی	= E ₂	IP ₂	= PPS ₂
	نهاده‌های نیروی کار	= L ₂	فعالاً ثابت فرض می‌شود	= 0
	نهاده‌های سرمایه	= C ₂	فعالاً ثابت فرض می‌شود	= 0
بخش خدمات (S ₃)	نهاده‌های مصرفی انرژی	= E ₃	IP ₃	= PPS ₃
	نهاده‌های نیروی کار	= L ₃	فعالاً ثابت فرض می‌شود	= 0
	نهاده‌های سرمایه	= C ₃	فعالاً ثابت فرض می‌شود	= 0
بخش حمل‌ونقل (S ₄)	نهاده‌های مصرفی انرژی	= E ₄	IP ₄	= PP ₄
	نهاده‌های نیروی کار	= L ₄	فعالاً ثابت فرض می‌شود	= 0
	نهاده‌های سرمایه	= C ₄	فعالاً ثابت فرض می‌شود	= 0

ماخذ: یافته‌های پژوهش

مورد محاسبه بود، اینک بازتاب و تبعات آن کل فعالیت‌های ساختار تولید ناخالص داخلی را دچار تکانه می‌کند. در این مرحله از محاسبات مقاله، بهای نیروی کار و سرمایه را ثابت و بدون تغییر فرض کردیم، اما می‌دانیم که قبول این فرض، بار منطقی ندارد. برای مثال با افزایش قیمت بنزین و گازوئیل، شاخص قیمت‌های حمل‌ونقل دچار تغییرات عمده‌ای می‌شود. به دنبال آن هزینه‌های حمل‌ونقل کالاهای ساختمانی، سیمان، آجر، تیرآهن و ... تأسیساتی افزایش می‌یابد، که لاجرم هزینه‌های

ساختمان‌سازی در مفهوم وسیع آن (مثل سدسازی، نیروگاه، راه‌سازی و ... طرح‌های عمرانی به‌طور کلی) و نیز ساختمان‌سازی در مفهوم عمومی آن (مثل ساخت خانه‌های مسکونی) و در نهایت دارندگان این نوع سرمایه‌ها را دچار اعوجاج قیمت‌ها می‌کند. از این جهت در این بخش از محاسبه، باید سهم نیروی انسانی شاغل در مشاغل بخش‌های غیردولتی و دولتی و عمومی و نیز سهم کل دارندگان سرمایه مورد توجه قرار گیرد. در این صورت با پذیرش این اصل در این مقاله، تغییر در سهم هزینه‌ای کل نهاده‌ی نیروی کار و نهاده‌ی سرمایه، ثابت فرض شده‌اند.

6. در فاز بعدی، از آنجایی که باید به شاخص بهای تولید (PPI) دست یابیم، لاجرم باید شاخص بهای تولید برای هر یک از بخش‌های چهارگانه‌ی ذکر شده (PPS_1^4) با توجه به نسبت (درصد سهم) آن‌ها از کل تولید محاسبه شود.

جدول 6- سهم هر یک از بخش‌های اقتصادی در ساختار کل تولید

بخش شاخص	حاصل ضرب		شاخص بهای تولید
	سهم هر بخش از کل تولید (درصد)	درصد تغییر شاخص (درصد)	
صنعت	A	PPS_1	$= PPI_1$
کشاورزی	B	PPS_2	$= PPI_2$
خدمات	C	PPS_3	$= PPI_3$
حمل و نقل	D	PPS_4	$= PPI_4$

ماخذ: یافته‌های پژوهش

در این مرحله است که می‌توان از میانگین موزون جدول فوق، شاخص بهای کل تولید را به دست آورد.

$$\sum_1^4 (A, B, C, D) \times PPS_1^4 = PPI$$

7. در فاز بعدی فرایند محاسبات این الگو، سنجش اثرگذاری شاخص بهای تولیدات در بخش‌های چهارگانه‌ی اقتصادی بر شاخص قیمت یا شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (CPI)¹ است. شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی، یکی از مهم‌ترین

شاخص‌های اندازه‌گیری قیمت و یک سنجش گر مهم برای بررسی قدرت خرید پول داخلی کشور یا همان نرخ تورم است. شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی یکی از معیارهای اندازه‌گیری تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها در بازار خرده‌فروشی کالاها و خدماتی است که در نهایت به‌عنوان کالای نهایی مصرفی مورد نیاز عموم افراد جامعه است. در این مرحله باید درصد سهم هر گروه (از مجموع 359 قلم کالا) که با عناوین کلی در سبد هزینه‌ی خانوار طبقه‌بندی شده‌اند، مشخص شود.

جدول 7- سنجش اثرگذاری تغییرات شاخص بهای تولید هر بخش بر شاخص CPI

گروه کالاها و خدمات مصرفی	حاصل ضرب		شاخص بهای مصرف‌کننده
	سهم هر گروه در کل سید	تغییر شاخص بهای تولید در هر بخش	
صنعت	%A'	PPI ₁	CPI ₁
کشاورزی	%B'	PPI ₂	CPI ₂
خدمات	%C'	PPI ₃	CPI ₃
حمل و نقل	%D'	PPI ₄	CPI ₄
انرژی ¹	%E'	PPI ₅	CPI ₅

ماخذ: یافته‌های پژوهش

1. انرژی در این‌جا همان کالای نهایی مصرفی و در سایر گروه‌ها، کالای واسطه‌ای (نهادی تولید) محسوب می‌شود. با استفاده از روابط جدول فوق، می‌توان میانگین موزون شاخص‌های $\sum CPI_1^5$ و در نهایت تغییرات شاخص کل (CPI) را به‌دست آورد.

5- محدودیت‌های ناشی از تحقیق

در به کارگیری جدول IO همواره محدودیت‌های تکنیکی وجود دارد: الف) یکی از محدودیت‌های اصلی تحقیق این است که جدول IO سال 1383 همانند جدول سال 1378 منتشر شده بر حسب بخش در بخش، با فرض تکنولوژی ثابت بخش (فعالیت) برآورد شده است.

ب) ممکن است چند اتحاد شامل در IO، لزوماً تصویر نزدیک به واقع حتی در سطح کلان را نیز ارائه نکند.

ج) معمولاً در مدل قیمت داده - ستانده، شاخص‌بندی قیمت‌های انرژی دچار مشکل می‌شود. مدل قیمت داده - ستانده یک مدل خطی است. معمولاً در مدل‌های خطی بین افزایش قیمت مثلاً از 10 به 60 و از 100 به 600، تفاوت وجود دارد. این درست است که هر دو 6 برابر شده‌اند، ولی اولی فقط 5 واحد و دومی 500 واحد افزایش را نشان می‌دهد و لذا آثار این دو مدل خطی یکسان نیست.

6- ساختار جدول داده - ستانده به هنگام شده ی سال 1383 ایران

جدول داده - ستانده ی استفاده شده در این مقاله، جدول داده - ستانده ی به هنگام شده ی سال 1383 می‌باشد. این جدول به اضلاع 43×43 (رشته فعالیت کد ISIC) در سال 1383 تهیه شده است و 119 قلم کالا را در بر می‌گیرد.¹ در توجیه ضرورت استفاده از جدول به‌هنگام شده می‌توان گفت، به دلیل مواجهه ی اقتصاد ایران با دگرگونی‌ها در بخش واقعی تولید، تنوع و تعدد محصولات و تغییرات به‌وجود آمده در عرصه ی سیاستی نظیر قیمت کالاها و خدمات، نرخ ارز، نرخ سود سپرده‌ها و بازرگانی خارجی، از این جدول استفاده شده است.

اجزای تشکیل دهنده جدول مورد نظر عبارت است از:

الف) ماتریس جذب: در حقیقت، همان ناحیه ی یک مدل داده - ستانده است که اغلب مربع بوده و به‌عنوان قسمت اصلی جدول مطرح می‌باشد، زیرا گردش (تولید و مصرف) کالاها و خدمات در فرایند تولید جاری، یا دادوستد آن‌ها میان بخش‌های تولیدی، در همین قسمت نشان داده شده است. این قسمت در برگیرنده ی مصارف یا تقاضای واسطه است که در مجموعه ی جدول، بیش‌ترین سهم را داراست. یا توجه به جدول داده - ستانده ی سال 1378، ماتریس جذب، یک ماتریس 40×40 متشکل از فعالیت بخش‌های اقتصادی منتخب (مطابق طبقه‌بندی ISIC) است.

ب) بردار تقاضای نهایی: این ناحیه برای فرآورده‌های بخش‌های گوناگون، اجزای تقاضای نهایی یا مصرف نهایی آن‌ها را نمایان می‌کند. اجزای تشکیل دهنده ی آن شامل

1- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (1387): ص 2، به نقل از بانک مرکزی ج 11، اداره ی حساب‌های اقتصادی.

هزینه‌های مصرفی خصوصی، هزینه‌های مصرفی دولتی، تشکیل سرمایه‌ی ثابت ناخالص و تغییر در موجودی انبار و صادرات است. در حقیقت آن قسمت از تولیدات هر بخش که صرف مصارف واسطه نمی‌شود، با عنوان تقاضای نهایی یا مصرف نهایی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ج) تقاضای کل: مجموع مصارف واسطه و تقاضای نهایی، تقاضای کل خوانده می‌شود. تقاضای کل در هر بخش، برابر کل تولید همان بخش است.

د) اجزای ارزش افزوده (نهاده‌های نخستین): این نهادها از آن جهت نخستین نامیده می‌شوند که بر خلاف مقادیر نواحی 1 و 2 جدول، جزء فرآورده‌های تولیدی جاری نیستند. مجموعه‌ی ارزش افزوده در این جدول همگی با هم در یک سطر آورده شده است. جمع هزینه‌های واسطه‌ای هر بخش با ارزش افزوده‌ی مربوط به آن، به‌عنوان تولید ناخالص داخلی آن بخش نامیده می‌شود.

ه) عرضه‌ی کل: عرضه‌ی کل هر یک از بخش‌های اقتصادی را می‌توان توسط رابطه‌ی زیر محاسبه کرد:

عرضه‌ی کل = هزینه‌ی واسطه + واردات + خالص مالیات بر واردات و محصولات داخلی بدیهی است به منظور برقراری تعادل اقتصادی در هر بخش، باید عرضه‌ی کل آن بخش برابر تقاضای کل آن باشد.

7- یافته‌های پژوهش

7-1- یافته‌های پژوهش در سناریوی دوم (سناریوی دوم: حداکثر درآمد خالص مورد نظر در اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها 200000 میلیارد ریال است):

الف) تورم ناشی از فشار هزینه

1- افزایش قیمت تمامی حامل‌ها به صورت هم‌زمان و یک‌باره

در این قسمت از مقاله، تحولات ناشی از افزایش قیمت همه‌ی حامل‌های انرژی به‌طور دفعی و یک‌باره از بُعد درصد افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده و درصد افزایش شاخص هزینه‌ی تولیدکننده در قالب جدول (8) پیش‌بینی می‌شود. جدول (8)، تبعات گزینش این سناریو را برای هر یک از حامل‌ها به‌طور جداگانه نمایش می‌دهد.

در این حالت، چنانچه سناریوی افزایش قیمت همه‌ی حامل‌ها به‌صورت هم‌زمان و یک‌باره انتخاب شود، درصد افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده معادل 48/6 درصد و درصد افزایش شاخص هزینه‌ی تولیدکننده 63/6 درصد خواهد بود، که به سطح قیمت‌های پایه اضافه می‌شود.

جدول 8- برآورد آثار تورم احتمالی ناشی از افزایش قیمت حامل‌های انرژی

نتایج حاصل از افزایش قیمت‌ها بر		گزینه‌ی تغییر قیمت (ریال)			حامل‌ها
درصد افزایش شاخص هزینه‌ی تولیدکننده	درصد افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده	درصد افزایش	به وضعیت پیشنهادی	از وضعیت موجود	
8/5	14/7	300	4000	1000	بنزین ¹
12/0	6/8	1536	2700	165	نفت گاز ²
16/0	1/8	1584	1600	95	نفت کوره ³
1/8	4/1	1566	2750	165	نفت سفید ⁴
3/5	2/2	2531	1500	57	گاز مایع ⁵
10/5	8/1	525	750	120	گاز طبیعی ⁶
11/3	9/1	379	800	167	برق ⁷
63/6%	48/6%	—	—	—	اثر افزایش هم‌زمان و یک‌باره‌ی کل حامل‌های انرژی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، قیمت‌های پیشنهادی محقق و پیش‌بینی‌های بسته پیشنهادی حمایتی صنایع و معادن آثار افزایش قیمت برخی از حامل‌های انرژی بر سطح عمومی تورم پایه، مرکز پژوهش‌ها، دفتر مطالعات اقتصادی، شماره‌ی 9151، شهریور 1387.

- 1- حمل و نقل، کشاورزی، صنعت، تجاری، عمومی. 2- خانگی، صنعت، کشاورزی، حمل‌ونقل، تجاری، عمومی.
- 3- صنعت، حمل و نقل، تجاری، عمومی. 4- خانگی، صنعت، کشاورزی، تجاری، عمومی. 5- خانگی، صنعت، حمل و نقل، تجاری. 6- خانگی، صنعت، حمل‌ونقل، تجاری، عمومی. 7- خانگی، صنعت، کشاورزی، تجاری، عمومی.

2- افزایش قیمت تمامی حامل‌های انرژی به‌طور هم‌زمان به‌صورت پلکانی

در این گزینه، آثار تورمی ناشی از افزایش قیمت حامل‌ها به‌صورت تدریجی و تقسیط افزایش قیمت‌ها طی چهار سال به‌صورت برنامه‌ریزی شده با شیب ملایم محاسبه شده است. در این روش محاسبه، فرض شده که قرار است طی یک برنامه‌ی زمان‌بندی شده، قیمت تمامی حامل‌ها به‌صورت تدریجی افزایش یافته و از قیمت فعلی در سال پایه (1389)، به قیمت‌های مورد نظر در سال هدف (1393) برسد. برای تحقق چنین هدفی، رشد متوسط سالیانه باید بین قیمت‌های پایه و قیمت‌های هدف محاسبه شود¹ و در عین حال باید از معادل متوسط نرخ تورم پایه در هر سال 20 درصد (و در چهار سال 80 درصد) برخوردار باشد. با اتخاذ این روش، سطح آثار تورمی سالیانه‌ی ناشی از این افزایش قیمت به‌مراتب کم‌تر از آثار تورمی افزایش قیمت به‌صورت دفعی و یک‌باره خواهد بود. جدول 9، فرایند و برنامه‌ی اتخاذ چنین گزینشی را برای همه‌ی حامل‌ها نشان می‌دهد و جدول 10، خلاصه شده‌ی یافته‌های جدول 9 را نمایش داده است. چنان‌چه گزینه‌ی افزایش قیمت تمامی حامل‌ها به‌صورت هم‌زمان با اتخاذ روش پلکانی انتخاب شود، در این حالت سطح آثار تورمی آن به‌مراتب کم‌تر از آثار تورمی افزایش قیمت همه‌ی حامل‌ها به‌صورت دفعی، هم‌زمان و یک‌باره خواهد بود. در مورد قیمت پیشنهادی که در جدول (9) آورده شده، لازم به توضیح است که، با توجه به این‌که متوسط کل اصلاح قیمت برای هر کدام از حامل‌های انرژی (به‌صورت درصد) در هر سال از حاصل جمع رشد متوسط سالیانه‌ی قیمت آن حامل انرژی (به‌صورت درصد) و متوسط سالیانه‌ی نرخ تورم حاصل می‌شود، لذا قیمت پیشنهادی در هر سال برای هر حامل انرژی، از حاصل جمع قیمت آن حامل انرژی در سال قبل با حاصل ضرب قیمت سال قبل آن حامل انرژی در متوسط کل اصلاح قیمت آن حامل انرژی (به‌صورت درصد) حاصل می‌شود. به‌عنوان مثال قیمت پیشنهادی 365 ریال برای

1- رشد متوسط سالیانه از رابطه‌ی زیر به‌دست می‌آید:

$$r = \left[\left(\frac{Pt}{Po} \right)^{\frac{1}{n}} - 1 \right] \times 100$$

نفت گاز در سال 1388، از حاصل جمع قیمت نفت گاز در سال 1387 (165 ریال) با حاصل ضرب قیمت نفت گاز در سال 1387 (165 ریال) در متوسط کل اصلاح قیمت نفت گاز (121/2 درصد یا 1/212) حاصل می‌شود.

جدول 9- تصویر نتایج حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی به صورت پلکانی

رشد متوسط سالیانه تورم (درصد)	تغییر در شاخص 1387=100	قیمت پیشنهادی در هر سال (ریال)	افزایش قیمت به صورت پلکانی			قیمت در سال پایه و سال هدف	سال پایه و سال هدف	حامل‌ها
			متوسط کل اصلاح قیمت (درصد)	متوسط سالیانه نرخ تورم (درصد)	رشد متوسط سالیانه (درصد)			
3/0	100	1000	—	—	—	1000	1387	بنزین
	103	1610	61/4	20	41/4	—	1388	
	106	2600	61/4	20	41/4	—	1389	
	109	4200	61/4	20	41/4	—	1390	
	112	6800	61/4	20	41/4	4000	1391	
1/5	100	165	—	—	—	165	1387	نفت گاز
	101/5	365	121/2	20	101/2	—	1388	
	103	807	121/2	20	101/2	—	1389	
	104/5	1780	121/2	20	101/2	—	1390	
	106	3950	121/2	20	101/2	2700	1391	
0/5	100	95	—	—	—	95	1387	نفت کوره
	100/5	211	122/6	20	102/6	—	1388	
	101/0	470	122/6	20	102/6	—	1389	
	101/5	1047	122/6	20	102/6	—	1390	
	102	2330	122/6	20	102/6	1600	1391	
1/0	100	165	—	—	—	165	1387	نفت سفید
	101	366	122	20	102	—	1387	
	102	813	122	20	102	—	1389	
	103	1800	122	20	102	—	1390	
	104	4000	122	20	102	2750	1391	
0/4	100	57	—	—	—	57	1387	گاز مایع
	100/4	140	146/5	20	126/5	—	1388	
	100/8	346	146/5	20	126/5	—	1389	
	101/2	853	146/5	20	126/5	—	1390	
	101/6	2100	146/5	20	126/5	1500	1391	
1/9	100	120	—	—	—	120	1387	گاز طبیعی
	101/9	213	78	20	58	—	1388	
	103/8	380	78	20	58	—	1389	
	105/7	676	78	20	58	—	1390	

	109/5	1200	78	20	58	750	1391	
2/2	100	167	—	—	—	167	1387	برق
	102/2	280	68	20	48	—	1388	
	104/4	470	68	20	48	—	1389	
	106/6	790	68	20	48	—	1390	
	108/8	1330	68	20	48	800	1391	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول 10- برآورد رشد متوسط سالیانه ی تورم در گزینه ی افزایش پلکانی قیمت حامل‌ها به صورت تقسیط در سناریوی دوم

درصد رشد متوسط سالیانه ی تورم (در طول دوره‌ی 1387-1391)	نوع حامل‌های انرژی
3/0	بنزین
1/5	نفت گاز
0/5	نفت کوره
1/0	نفت سفید
0/4	گاز مایع
1/9	گاز طبیعی
2/2	برق
10/5 درصد	اثر افزایش قیمت پلکانی حامل‌های انرژی (تورم شاخص قیمت مصرف‌کننده)

مأخذ: یافته‌های پژوهش (تلخیص شده جدول 9).

به طوری که از جداول 9 و 10 مشاهده می‌شود، رشد متوسط سالیانه ی تورم در گزینه ی افزایش پلکانی قیمت حامل‌ها (به صورت تقسیط با اعمال متوسط سالیانه تورم) حدود 10/5 درصد برآورد می‌شود، که از آثار تورمی افزایش دفعی و هم‌زمان همین کالاها کم‌تر خواهد بود. در جدول 11، ضریب تأثیر افزایش قیمت هریک از حامل‌ها بر سطح قیمت‌های پایه به ازای هر 10 درصد افزایش قیمت، نمایش داده شده است.

جدول 11- ضریب تأثیر افزایش قیمت حامل‌ها بر سطح قیمت‌های پایه به ازای هر 10 درصد

واحد درصد	فرایند	حامل‌ها
0/5	ضریب تأثیر افزایش قیمت بنزین بر سطح قیمت‌های پایه به ازای هر 10 درصد افزایش قیمت	بنزین

0/06	ضریب تأثیر افزایش قیمت نفت گاز بر سطح قیمت‌های پایه به ازای هر 10 درصد افزایش قیمت	نفت گاز
0/01	ضریب تأثیر افزایش قیمت نفت کوره بر سطح قیمت‌های پایه به ازای هر 10 درصد افزایش قیمت	نفت کوره
0/04	ضریب تأثیر افزایش قیمت نفت سفید بر سطح قیمت‌های پایه به ازای هر 10 درصد افزایش قیمت	نفت سفید
0/02	ضریب تأثیر افزایش قیمت گاز مایع بر سطح قیمت‌های پایه به ازای هر 10 درصد افزایش قیمت	گاز مایع
0/2	ضریب تأثیر افزایش قیمت گاز طبیعی بر سطح قیمت‌های پایه به ازای هر 10 درصد افزایش قیمت	گاز طبیعی
0/2	ضریب تأثیر افزایش قیمت برق بر سطح قیمت‌های پایه به ازای هر 10 درصد افزایش قیمت	برق

مأخذ: یافته‌های پژوهش

ب) تورم ناشی از «فشار تقاضا»

1- شاید در یک رویکرد شتابزده بتوان ادعا کرد که پرداخت نقدی یارانه‌ها (پرداخت 50 درصد از وجوه منابع حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی به همهی خانوارهای کشور) دارای آثار تورمی نیست، زیرا این پرداخت‌ها از محل افزایش نقدینگی انجام نمی‌گیرد. اصلاح قیمت حامل‌های انرژی سبب می‌شود که مبالغ ناشی از افزایش قیمت‌ها، از حجم نقدینگی موجود جامعه برداشت شده و 50 درصد آن دوباره (با اتخاذ مکانیسم‌های لازم) بین خانوارها (جامعه هدف)، بازتوزیع شود. بنابراین جریان دریافت‌ها (منابع حاصل از افزایش قیمت حامل‌ها) و جریان پرداخت‌ها (توزیع مجدد به خانوارها) همگی در چارچوب حجم نقدینگی موجود انجام می‌پذیرد و لذا ادعا می‌شود از این رویکرد قانون هدفمند کردن یارانه‌ها دارای آثار تورمی نیست. شایان ذکر است که تورم ناشی از افزایش تقاضا، از نظر فشارهای ناشی از اضافه تقاضا در بازار پدیدار می‌شود، به عبارت بهتر فزونی تقاضا بر عرضه و فشار ایجاد شده از طرف تقاضا در اقتصاد، یکی از دلایل اصلی تورم شناخته می‌شود. منتهی طرف تقاضا در اقتصاد از دو مؤلفه ی «بازار پول» و «کالا» تشکیل می‌شود که اقتصاددانان مکتب پولی، دلیل تورم ناشی از فشار تقاضا را افزایش حجم پول می‌دانستند، اما کینز، تغییرات حادث شده در هر دو بازار پول و کالا را از جمله مصادیق تغییر تقاضای کل و فزونی آن بر عرضه قلمداد می‌کند. بنابراین در اقتصاد کینزی، تورم ناشی از فشار تقاضا، تورمی است که در اثر وجود زیادی تقاضای جمعی به وجود می‌آید و اضافه تقاضا از بخش‌های حقیقی اقتصاد ناشی می‌شود.

2- نتیجه ی بحث آن است که هرچند پرداخت‌های مربوط به قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، از محل افزایش نقدینگی انجام نمی‌گیرد و از این جهت ظاهراً آثار تورمی در بر ندارد، اما مهم‌ترین مؤلفه ی قانون هدفمند کردن یارانه‌ها آن است که درآمدهای حاصل از قانون، بین خانوارها بازتوزیع می‌شود، حال با توجه به این‌که درصد بیش‌تری از

خانوارها در دهک پایین درآمدی قرار داشته و میل نهایی به مصرف بالایی دارند، از این جهت مبالغ نقدی یارانه‌ها را به «تقاضا» تبدیل می‌کنند، در این حالت تورم ناشی از فشار تقاضا در بازار کالاها و خدمات بروز می‌کند، بدون آن‌که حجم نقدینگی افزایش یافته باشد.

3- به دنبال افزایش قیمت حامل‌های انرژی، دولت با دو جبهه‌ی اقتصادی جدید مواجه خواهد شد:

الف) به لحاظ آن‌که، دولت به نوبه‌ی خود، یکی از بزرگ‌ترین نهاد‌های مصرف‌کننده‌ی اقلام هشت‌گانه‌ی حامل‌های¹ انرژی است، لذا کالاهای مزبور را باید به قیمت‌های بالاتری خریداری کند.

ب) به لحاظ آن‌که دولت در اجرای وظایف و تکالیف خود بزرگ‌ترین خریدار کالاهای سرمایه‌ای و نیز کالاها و خدمات مصرفی است، از این جهت ناگزیر باید سایر کالاها و خدمات مورد نیاز را به قیمت‌هایی که با تورم ظهوری جدید، ارائه می‌شوند، خریداری کند. به عبارت بهتر نخستین مرجع تورمی جدید توسط خود دولت پدیدار خواهد شد که متعاقب آن بنگاه‌ها و نهاد‌های اقتصادی دولت که خود تولیدکننده‌ی کالاها و خدمات هستند، کالاها و خدمات خود را گران خواهند کرد.

1- بر اساس متن قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، درآمد دولت از محل افزایش قیمت حامل‌های انرژی 200000 میلیارد ریال است، که طبق قانون دولت اجازه دارد 50 درصد از این مبلغ، یعنی رقم 100000 میلیارد ریال (10 میلیارد دلار) را بین خانوارهای جامعه که اکثریت آن‌ها در دهک‌های پایین درآمدی قرار داشته و میل نهایی به مصرف بالایی دارند، باز توزیع کند، حال این‌جاست که بحث تورم ناشی از فشار تقاضا مطرح می‌شود، زیرا یارانه‌هایی که تا دیروز به شکل پول نقد در اختیار مصرف‌کنندگان نبود، از امروز قرار است همان یارانه‌ها به شکل پول نقد در اختیار مصرف‌کنندگان قرار گیرد. به همین جهت انتظار می‌رود که 10 میلیارد دلار درآمدی که به جامعه تزریق می‌شود (فشار تقاضای ناشی از دو مؤلفه پول و کالا)، به‌عنوان درآمد به تقاضا تبدیل شده و تورم ناشی از فشار تقاضا را به وجود آورد.

1- بنزین، نفت گاز، نفت کوره، نفت سفید، گاز مایع خانگی، گاز مایع صنعتی، گاز طبیعی و برق.

2- انتظار می‌رود، تورم ناشی از فشار تقاضا (پرداخت نقدی به خانوارها و از جمله دهک‌های پایین درآمدی) با اجرای پرداخت نقدی یارانه‌ها احتمالاً 2/7 درصد باشد که با تأثیر ضریب فزاینده‌ی پول (1/5) به 4 درصد بالغ شود.

7.2. برآورد آثار تورمی افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سناریوی سوم

به طوری که ملاحظه می‌شود در این جا نیز آثار افزایش پلکانی قیمت حامل‌ها با رشد متوسط سالیانه 13/5 درصد، به مراتب کمتر از افزایش دفعی و یکباره و هم‌زمان کل حامل‌ها (که 59/6 درصد است) خواهد بود.

جدول 12- مقایسه‌ی کلان آثار افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سناریوهای دوم و سوم

سناریوی سوم قیمتی			سناریوی دوم قیمتی			حامل‌ها
درصد افزایش شاخص هزینه‌ی تولیدکننده	درصد افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده	تغییرات قیمت (ریال)	درصد افزایش شاخص هزینه‌ی تولیدکننده	درصد افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده	تغییرات قیمت (ریال)	
8/5	14/7	4000	8/5	14/7	4000	بنزین
14/0	8/0	3500	12/0	16/8	2700	نفت گاز
18/0	2/1	2000	16/0	1/8	1600	نفت کوره
2/2	6/0	3500	1/8	1/4	2750	نفت سفید
3/8	3/1	2000	3/5	2/2	1500	گاز مایع
16/8	14/7	1300	10/5	8/1	750	گاز طبیعی
12/5	11/0	1000	11/3	9/1	800	برق
%75/8	%59/6	—	%63/6	%48/6	—	اثر افزایش هم‌زمان و یکباره‌ی کل حامل‌های انرژی
%16/8	%18/4	—	%16/8	%18/4	—	شاخص‌های پایه در سال 1386
%92/6	%78/0	—	%80/4	%67/0	—	کل

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول 13- تصویر آثار تورمی افزایش قیمت حامل‌های انرژی در سناریوی سوم

نتایج حاصل از افزایش قیمت‌ها بر		تغییرات قیمت (ریال)			حامل‌ها
درصد افزایش شاخص هزینه‌ی تولیدکننده	درصد افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده	درصد افزایش	به سناریوی سوم	از وضعیت موجود	
8/5	14/7	300	4000	1000	1 بنزین
14/0	8/0	2021	3500	165	2 نفت گاز
18/0	2/1	2005	2000	95	3 نفت کوره
2/2	6/0	2021	3500	165	4 نفت سفید

3/8	3/1	3408	2000	57	گاز مایع ⁵
16/8	14/7	983	1300	120	گاز طبیعی ⁶
12/5	11/0	498	1000	167	برق ⁷
75/8	59/6	—	—	—	اثر افزایش هم‌زمان و یک‌باره کل حامل‌های انرژی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

1. حمل‌ونقل، کشاورزی، صنعت، تجاری، عمومی، 2. حمل‌ونقل، کشاورزی، صنعت، خانگی، تجاری، عمومی، 3.
- حمل‌ونقل، صنعت، تجاری، عمومی، 4. خانگی، کشاورزی، صنعت، تجاری، عمومی، 5. خانگی، صنعت، حمل‌ونقل، تجاری، 6. خانگی، صنعت، حمل‌ونقل، تجاری، عمومی 7. خانگی، صنعت، کشاورزی، تجاری، عمومی

جدول 14- تصویر نتایج حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی به صورت پلکانی در سناریوی سوم

رشد متوسط سالیانه‌ی تورم (درصد)	تغییر در شاخص 1387=100	قیمت پیشنهادی در هر سال (ریال)	افزایش قیمت به صورت پلکانی			قیمت در سال پایه و سال هدف	سال پایه و سال هدف	حامل‌ها
			متوسط کل اصلاح قیمت (درصد)	متوسط سالیانه نرخ تورم (درصد)	رشد متوسط سالیانه (درصد)			
3/0	100	1000	-	-	-	1000	1387	بنزین
	103	1610	61/4	20	41/4	-	1388	
	106	2600	61/4	20	41/4	-	1389	
	109	4200	61/4	20	41/4	-	1390	
	112	6800	61/4	20	41/4	4000	1391	
1/9	100	165	-	-	-	165	1387	نفت گاز
	101/9	387	134/6	20	114/6	-	1388	
	103/8	908	134/6	20	114/6	-	1389	
	105/7	2130	134/6	20	114/6	-	1390	
	107/6	5000	134/6	20	114/6	3500	1391	
0/5	100	95	-	-	-	95	1387	نفت کوره
	100/5	222	134/2	20	114/2	-	1388	
	101	521	134/2	20	114/2	-	1389	
	101/5	1220	134/2	20	114/2	-	1390	
	102/0	2860	134/2	20	114/2	2000	1391	
1/4	100	165	-	-	-	165	1387	نفت سفید
	101/4	387	134/6	20	114/6	-	1388	
	102/8	908	134/6	20	114/6	-	1389	
	104/2	2130	134/6	20	114/6	-	1390	
	105/6	5000	134/6	20	114/6	3500	1391	
0/7	100	57	-	-	-	57	1387	گاز مایع
	100/7	150	163/3	20	143/3	-	1388	
	101/4	395	163/3	20	143/3	-	1389	
	103/1	1040	163/3	20	143/3	-	1390	

3/4	103/8	2740	163/3	20	143/3	2000	1391	گاز طبیعی
	100	120	-	-	-	120	1387	
	103/4	240	101/4	20	81/4	-	1388	
	106/8	486	101/4	20	81/4	-	1389	
	110/2	980	101/4	20	81/4	-	1390	
	113/6	2000	101/4	20	81/4	1300	1391	
2/6	100	167	-	-	-	167	1387	برق
	102/6	295	76/4	20	56/4	-	1388	
	105/2	520	76/4	20	56/4	-	1389	
	107/8	916	76/4	20	56/4	-	1390	
	110/4	1600	76/4	20	56/4	1000	1391	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول 15- برآورد رشد متوسط سالیانه ی تورم در گزینه ی افزایش پلکانی قیمت حامل‌ها در

سناریوی قیمتی سوم

درصد رشد متوسط سالیانه تورم (در طول دوره‌ی 1387-1391)	نوع حامل‌های انرژی
3/0	بنزین
1/9	نفت گاز
0/5	نفت کوره
1/4	نفت سفید
0/7	گاز مایع
3/4	گاز طبیعی
2/6	برق
13/5	اثر افزایش قیمت پلکانی حامل‌های انرژی (تورم شاخص قیمت مصرف‌کننده)

مأخذ: یافته‌های پژوهش

8- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این پژوهش، «آثار مستقیم» و «آثار غیرمستقیم» بار تورمی مورد توجه بوده است، زیرا افزایش قیمت کالاهای انرژی‌زا با توجه به سهم آن در بودجه‌ی خانوار و هزینه‌ی تولیدکننده، منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و افزایش هزینه‌ی تولیدکننده می‌شود. اما کالاهای مزبور در عین حالی که کالاهای نهایی مصرف‌کننده هستند، در زمره ی کالاهایی قرار دارند که از بازارهای در هم تنیده برخوردارند و لذا آثار مستقیم، افزایش قیمت این محصولات به‌علت تعامل و روابط پسین و پیشینی که با

سایر کالاها و خدمات دارد علاوه بر آثار مستقیم، منجر به افزایش قیمت بقیه‌ی کالاها و خدمات نیز می‌شود. طبیعی است که سایر کالاها و خدمات نیز در تعامل با سهمی که در هزینه‌ی تولیدکننده و بودجه‌ی خانوار دارند، منجر به افزایش بالاتری از افزایش ناشی از آثار مستقیم در سطح عمومی قیمت‌ها می‌شوند (آثار غیرمستقیم).

در این پژوهش، تعدیلات مربوط به نیروی کار و سرمایه محاسبه نشده‌اند. یافته‌های این پژوهش با توجه به قیمت‌های مورد نظر عبارتند از:

1. در صورت انتخاب گزینه‌ی افزایش قیمت تمامی حامل‌های انرژی به‌صورت هم‌زمان، دفعی و یک‌باره، تورم ناشی از فشار هزینه احتمالاً عبارت خواهد بود از:

- درصد افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده 48/6 درصد که با افزوده شدن آن به سطح تورم 18/4 درصدی سال 1386 به 67 درصد می‌رسد و انتظار می‌رود درصد افزایش شاخص تولیدکننده 63/6 درصد باشد، که با افزودن آن به سطح 16/8 درصد تغییر شاخص بهای تولیدکننده در سال 1386 به 80/4 درصد بالغ می‌شود.

- اما چنان‌چه گزینه‌ی افزایش قیمت تمامی حامل‌ها به‌صورت تدریجی و پلکانی در طی 4 سال با شیب ملایم و برنامه‌ریزی شده انتخاب شود، انتظار می‌رود رشد متوسط سالیانه‌ی تورم در این گزینه 10/5 درصد باشد، که با افزوده شدن به سطح تورم 18/4 درصدی سال 1386 به 28/9 درصد بالغ می‌شود.

2. تورم ناشی از فشار تقاضا (پرداخت نقدی یارانه‌ها به خانوارها) با توجه به فروزی که سبب خواهد شد افزایش میل نهایی به مصرف آن‌ها (دهک‌های پایین درآمدی) به تقاضا تبدیل شود و این افزایش تقاضا همان نقشی را ایفا کند که افزایش حجم نقدینگی ایفا می‌کند، احتمالاً 2/7 درصد خواهد بود که با تأثیر ضریب فزاینده‌ی پولی (1/5) به 4 درصد بالغ می‌شود.

3. انتظارات تورمی، قابل محاسبه نیست (اما قابل وقوع است)، لذا یافته‌های اشاره شده در بالا، می‌تواند به‌عنوان حداقل احتمالی بار تورمی مورد انتظار (که بر سطح قیمت‌های پایه اضافه می‌شود) در نظر گرفته شود.

حال به توجه به مباحث اشاره شده پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

1. نتایج یافته‌های پژوهشی این مقاله مؤید این حقیقت است که سطح آثار تورمی سالیانه ناشی از افزایش قیمت حامل‌های انرژی به صورت تقسیط و پلکانی به حالت

شیب‌دار و زمان‌بندی شده، به مراتب کم‌تر از آثار تورمی افزایش قیمت محصولات مزبور به‌صورت دفعی، یک‌باره و هم‌زمان خواهد بود.

با توجه به این‌که آثار تورمی سطوح بالای ناشی از افزایش دفعی و هم‌زمان قیمت حامل‌ها به‌وجود آورنده‌ی شکست ساختار و ظهور حوزه‌های چالشی و خیم‌تر و جدیدی خواهد بود و علاوه بر آن، تمام طرح‌های سرمایه‌گذاری اعم از دولتی و خصوصی (و مهم‌تر از همه قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل 44) را از کلیه توجیهات اقتصادی خود خارج خواهد کرد. لذا مناسب است که گزینه دفعی و هم‌زمان افزایش قیمت حامل‌های انرژی در اولویت اول نباشد.

2. پیشنهاد می‌شود که چنان‌چه دولت، علاقمند به گزینه‌ی افزایش قیمت به‌طور دفعی و یک‌باره تا سطح مورد نظر خود باشد، در گام اول باید دو کالای بنزین و گازوئیل را انتخاب و افزایش دفعی قیمت سایر حامل‌های انرژی را به تدریج به سال‌های بعد موکول کند.

3. بهتر که پرداخت یارانه به خانوارها، به جای پرداخت‌های نقدی، از نظام اعطای سهام استفاده شود. پرداخت نقدی یارانه‌ها از حوزه‌های چالشی پردغدغه‌ای برخوردار است که در این مقاله، برخی از زوایای آن روشن شده است.

فهرست منابع

بانک جهانی (2003)، اقتصاد ایران از دیدگاه بان جهانی: گذار ایران در تبدیل ثروت نفت به توسعه، احمد عظیمی بلوریان، سازمان بورس اوراق بهادار تهران، 30 آوریل.
بانک مرکزی ج.ا.ا. (1382)، گزارش اقتصادی و ترازنامه‌ی سال هشتاد و دو، صص 148-149.

بانک مرکزی ج.ا.ا. (1387)، خلاصه‌ی تحولات اقتصادی سال 1386، آبان ماه، صص 22.
<http://www.cbi.ir/page/6550.aspx>

پرمه، زوار (1384)، بررسی یارانه‌ی انرژی و آثار افزایش قیمت حامل‌های انرژی بر سطوح قیمت‌ها در ایران، پژوهش‌نامه‌ی بازرگانی، شماره‌ی 34، صص 117-147.

خیابانی، ناصر (1387)، یک الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه برای ارزیابی افزایش قیمت تمامی حامل‌های انرژی در اقتصاد ایران، فصل‌نامه‌ی مطالعات اقتصاد انرژی، سال پنجم، شماره 16، صص 1-34.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (1387)، برآورد آثار تورمی قیمت حامل‌های انرژی در دو گزینه‌ی افزایش پلکانی و افزایش یک‌باره، مسلسل 9459، ص 13.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (1387)، درباره‌ی لایحه‌ی هدفمند کردن یارانه‌ها: بررسی آثار مستقیم افزایش قیمت حامل‌های انرژی (طرح تحول اقتصادی) و برآورد ارزش جبرانی مورد نیاز بخش صنعت کشور در دو سناریو، شماره‌ی مسلسل 9432، ص 11.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (1387)، آثار افزایش قیمت برخی از محصولات انرژی‌زا (بنزین و گازوئیل) بر سطح عمومی تورم پایه، شماره‌ی مسلسل 9151.

مرکز آمار ایران (1387)، جدول داده - ستانده ایران در سال 1380، مرکز اصلاحات و مدارک علمی.

عباسی نژاد، حسین (1385)، تحلیل اثر افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی بر بخش‌های اقتصادی با استفاده از جدول داده - ستانده، پژوهش‌نامه‌ی بازرگانی، شماره‌ی 38، صص 1-28.

قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، سایت www.tarh.majlis.ir

Berument, H. and Talpcy, H. (2000) , Inflation Effect of Crude Oil Prices in Turkey, Department of Economics , Bilknet University, Turkey

Casler, S. and S. Wilbur (1984), Energy Input-Output Analysis, Resources and Energy, Vol.6, North-Holland, 187-201.

Dubo, Ikhupupuleny,(2003), Impact of Energy Subsidies on Energy Consumption and Supply in Zimbabwe: Do the Urban Poor really Benefit?, Energy Policy, Vol.32, No.2, 1635-1645.

Fetini, H. and Bacon, R.(1999), Economic Aspects of Energy Price Increases and Change in Aggregate Inflation in Iran, World Bank, August.

Herendeen, R. A.(1978) , Input-Output Techniques and Energy Cost of Commodities, Energy Policy, Vol.4.

Jensen, J. and Tarr D.(2002), Trades, Foreign Exchange Rate, and Energy Policies in Iran: Reform Agenda, Economic Implications, and Impact on the Poor.

Kula, M. (1998), Analysis of Price Increases by The Input-Output Costing Model in The Turkish Economy, Twelfth International Conference on Input-Output Techniques 18-22 May, New York.

Leontief , Wassily,(1966), Input-Output Economics , New York, Oxford University Press.

Miller, R. E. and Blair, P. D.(1985), Input-Output Analysis: Foundations and Extensions, Engle Wood Cliffs, New Jersey, Prentice-Hall

Uri N.D. and Boyd R.(1997), An Evaluation of The Economic Effects og Higher Energy Prices in Mexico, Energy Policy, Elsevier journal, Vol.25, PP205-215.

Valadkhani, A. and Michael, P.(2002), An Empirical Analysis of Australian Labour Market, School of Economics and Finance Discussion Papers and Working Papers series; Queensland Nuiversity Of Technology, No.110.

Valadkhani, A.(2007), Macroeconometric Modelling in An Oil Exporting Country: The Case of Iran, [Http://www.researchgate.net/Publication/236](http://www.researchgate.net/Publication/236).

Wu, R-H. and Chen, C-Y,(1990), On the Application of Input-Output Analysis to Energy Issues, Energy Economics Journal, Vol. 12, No.1, 71-76.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی